بررسی برخی مشکلات رفتاری ناشی از تنبیه بدنی توسط والدین درکودکان دبستانی

فاطمه قاسمی[1]، فاطمه ولی زاده[1]، طاهره طولابی[2]، ماندانا ساکی[3]

1- مربی، گروه کودکان، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی

2- مربی، گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی

3- مربی، گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامائی، دانشگاه علوم پزشکی

یافته / دوره نهم / شماره 4 / زمستان 86 / مسلسل 34

چکیده

دریافت مقاله: 86/6/13، ***پذیرش مقاله***: 86/9/4

Ø مقدمه: طرز رفتاربزرگسالان اثر عمیقی بر شخصیت کودکان و عادات کسب شده توسط آنها دارد. تنبیه بدنی به معنای استفاده از نیروی فیزیکی جهت ایجاد درد بدون صدمه، به منظور تربیت (تصحیح یا کنترل رفتار) کودک می باشد. تنبیه بدنی یک نوع کودک آزاری و شایع ترین نوع خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می شود. تنبیه بدنی دارای اثرات مخرب کوتاه و بلند مدت بر جسم و روح کودک می باشد. هدف از این پژوهش تعیین برخی مشکلات رفتاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه بدنی می شوند و مقایسه آنها با کودکانی که توسط والدین تنبیه بدنی نمی شوند، می باشد.

Ø مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی- تحلیلی است که روی240 کودک 12-7 ساله مشغول به تحصیل در مدارس ابتدائی خرم آباد در سال تحصیلی 84-1383 انجام شد. نمونه ها در دو گروه 120 نفری مورد (توسط والدین تنبیه بدنی می شدند) و شاهد (توسط والدین تنبیه بدنی نمی شدند) به روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای شامل 3 قسمت بود. بخش اول مشخصات فردی، بخش دوم سوالاتی در مورد تنبیه بدنی کودکان و بخش سوم شامل 20 سوال در ارتباط با مشکلات رفتاری پرخاشگری عملی، پرخاشگری کلامی، گوشه گیری و همکاری کودک در مدرسه بود. روش جمع آوری اطلاعات مصاحبه با کودک و معلم و مطالعه پرونده کودک درمدرسه بود. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار **SPSS ver. 11** مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرارگرفت.

Ø یافته‌ها: نتایج نشان داد نحوه تنبیه در 92/6% سیلی زدن به صورت کودک بود. بین دو گروه از نظر تحصیلات مادر (**p**=0/001) و شغل مادر (**p**=0/004)، رتبه تولد کودک (**P**<0/05)، پرخاشگری عملی (**P**<0/001)، پرخاشگری کلامی (**P**<0/001)، گوشه گیری (**P**<0/05) و همکاری((**P**<0/001) تفاوت آماری معنی داری به دست آمد.

Ø بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد مادران خانه دار و دارای سطح تحصیلات پایین تر بیشتر از تنبیه بدنی استفاده می کنند و مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری عملی و کلامی، گوشه گیری و عدم همکاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه می شدند نسبت به آنها که تنبیه نمی شدند به طور معنی داری بیشتر بود. آموزش اثرات بد تنبیه بدنی بر جسم و روح کودک به والدین و نیز آموزش روشهای تربیتی مثبت به آنها می تواند در کاهش استفاده از تنبیه بدنی به عنوان یک روش تربیتی موثر باشد. پرستاران کودک و بهداشت جامعه در صورت داشتن مهارت و اطلاعات لازم می توانند در این زمینه نقش بسیار موثری ایفا کنند.

Ø کلید واژه‌ها: تنبیه بدنی، مشکلات رفتاری، کودک، والدین، خرم آباد

آدرس مکاتبه: خرم آباد، کمالوند، مجتمع آموزشی پردیس، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دانشکده پرستاری و مامایی

پست الکترونیک: Ghasemi2211156@yahoo.com

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]

مقدمه

کودکان آسیب پذیرتر از سایر افراد جامعه هستند، بدرفتاری با کودک طیف وسیعی از رفتارهای آسیب رسان از قبیل برآورده نکردن نیازهای اولیه، تنبیه کلامی، تنبیه جسمی، آزار و اذیت عاطفی و سوء استفاده جنسی را شامل می شود (1). تنبیه بدنی به معنای استفاده از نیروی فیزیکی جهت ایجاد تجربه درد بدون صدمه به منظور تربیت (تصحیح یا کنترل رفتار) کودک می باشد (2). معمولا در تنبیه جسمی از دست یا یک شیء مانند چوب، کمربند، شلاق و غیره برای ضربه زدن به بعضی نقاط بدن کودک مثل دستها یا باسن و یا از یک شی داغ برای سوزاندن کودک استفاده می شود. تنبیه بدنی به منظورکنترل، راهنمائی یا تصحیح رفتار کودکان در فرهنگ های مختلف وجود دارد (3). تنبیه بدنی یک نوع کودک آزاری و خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می شود و دارای اثرات سوء کوتاه مدت و بلند مدت بر روح و جسم کودک می باشد (4). در سالهای اخیر ارائه دهندگان مراقبتهای بهداشتی، درمانی تنبیه بدنی و نقش آن درکودک آزاری را مورد بررسی و سوال قرار داده اند. هرچند هیچ تحقیقی اثرات مفید برای استفاده از تنبیه جسمی را در کودکان نشان نداده است ولی استفاده از آن هنوز ادامه دارد. مسائل مربوط به خطرات تنبیه جسمی کودکان از حدود قرن هجدهم شروع شده است. اما تنبیه جسمی به صورت جدی اولین بار در سال1960 زمانی که دکتر هنری کمپ و همکارانش متوجه شدندکه اکثر شکستگیهای مشاهده شده در کودکان ناشی از کتک خوردن آنها توسط والدین می باشد بیشتر مورد توجه قرار گرفت، آنها این پدیده راسندرم کودک کتک خورده نامیدند (اصطلاحی که مسائلی مانند غفلت، آزارجسمی و آزار روحی را در برمی گیرد). تحقیقات اخیر نشان داده اند که اکثر موارد کودک آزاری جسمی در اثر اقدامات والدین برای تنبیه جسمی کودکان به وجود می آید به طوریکه والدین حین تنبیه کودک کنترل خود را از دست داده و به صورت غیرعمدی شدت فیزیکی تنبیه را زیاد می نمایند و یا میزان قدرت خودشان را کم تخمین می زنند و به این ترتیب باعث بروز آسیبهای جسمی برای کودکانشان می شوند. هرچه شدت تنبیه بیشتر شود خطر صدمه به کودک و در نتیجه آزار جسمی کودک نیز بیشترمی شود (5، 6، 7). این مساله به شدتی است که تحقیقات نشان داده خانه مکانی است که بیشتر از هر جای دیگر به حقوق کودک تجاوز می شود. بین 70-50% کودکانی که مورد سوء رفتار قرار گرفته اند قربانی خشونت والدین و نزدیکان خود بوده اند. بیش از 90% والدینی که مبادرت به بدرفتاری با کودک خود می کنند نه از نظر جسمی مشکلی دارند، نه از نظر شخصیتی جنایتکارند و نه سایکوتیک هستند، بلکه افرادی هستند که خود تحت تاثیر تنش واسترس شدیدی قرار داشته و در حالت خشم به کودکان خود آسیب می رسانند (7).

در واقع تنبیه جسمی بجز احتمال آسیبهای جسمی اغلب دارای یک بار عاطفی هم برای کودک و هم برای والدین است (4). تحقیقات نشان داده رفتار گرم و محبت آمیز و مسولانه والدین همراه استفاده کمتر از تنبیه بدنی با کاهش مشکلات رفتاری در کودکان ارتباط مستقیم دارد و برعکس استفاده از تنبیه بدنی با افزایش مشکلات رفتاری و برون فکنی و پرخاشگری درکودکان همراه می باشد (8، 9). بسیاری از مطالعات جرم شناسی نشان داده اند که کودک بزه دیده امروز، نوجوان یاجوان بزهکار فردا خواهد بود. صاحبنظران افزایش آزار و اذیت کودکان را تابعی از افزایش نرخ خشونت در جامعه و رفتارهای جمعی دانسته اند (9، 10). علیرغم افزایش آگاهی از خطرات تنبیه جسمی استفاده از آن به طور شایع به عنوان یک روش پذیرفته شده و در بعضی موارد ضروری برای تربیت کودک ادامه دارد. استفاده از تنبیه بدنی ممکن است این تفکر را به وجود آورد که والدین آن را یک شیوه موثر تربیتی می شناسند، اما یافته های چند تحقیق خلاف این مساله را نشان داده اند. در تحقیقی که در کانادا راجع به نگرش شرکت

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]

کنندگان درباره تنبیه جسمی انجام گرفت واحدهای مورد پژوهش معتقد بودند تکراری ترین نتیجه تنبیه جسمی احساس گناه در والدین است. همچنین نتیجه همه پرسی یک هفته نامه خبری نیز نشان داد اکثر مردم از اینکه دیگران بفهمند آنها یک کودک را کتک زده اند احساس شرم می کنند (4، 11). سالهای اولیه زندگی مهمترین دوره تربیت و شکل پذیری شخصیت اجتماعی فرد می باشد. طرز رفتار بزرگسالان اثر عمیقی بر شخصیت کودکان و عادات کسب شده توسط آنها دارد. اکثر پژوهش های انجام شده نشان داده اند دو فاکتور اساسی یعنی خصوصیات خلقی کودک و رفتار والدین درتبدیل مشکلات رفتاری اولیه کودک به مشکلات رفتاری شدیدتر در آینده نقش اساسی دارند (12). پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط تنبیه بدنی والدین با بروز برخی مشکلات رفتاری در کودکان دبستانی شهر خرم آباد انجام شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است که با هدف تعیین برخی مشکلات رفتاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه بدنی می شوند و مقایسه آنها با کودکانی که توسط والدین تنبیه بدنی نمی شوند، در مدارس ابتدائی شهرخرم آباد انجام شد. جامعه پژوهش شامل کلیه کودکان دبستانی 12-7 ساله مشغول به تحصیل در مدارس دولتی نواحی سه گانه آموزش پرورش خرم آباد در سال تحصیلی 84- 1383بود.

نمونه گیری به روش تصادفی چند مرحله ای انجام شد. به این صورت که ابتدا از بین مدارس سه ناحیه آموزش پرورش شهر خرم آباد خوشه ها به صورت تصادفی انتخاب و سپس نمونه های مورد نظر به صورت کاملا تصادفی از هر خوشه انتخاب و در پژوهش وارد شدند.

نمونه شامل240 کودک بود که در دو گروه 120نفره مورد (توسط والدین تنبیه بدنی می شدند) و شاهد (توسط والدین تنبیه بدنی نمی شدند) مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه های دو گروه از نظر سن و جنس همسان شدند.

ابزار جمع آوری اطاعات پرسشنامه ای شامل 3 قسمت بود. بخش اول مشخصات فردی و خانوادگی شامل سن، جنس و رتبه تولد کودک و سن، شغل، تحصیلات، تعداد فرزندان و نسبت فامیلی والدین بود که با مطالعه پرونده کودک درمدرسه تکمیل شد. بخش دوم سوالاتی در مورد تنبیه کودکان، ابزار تنبیه و فرد تنبیه کننده بود که از طریق مصاحبه با کودک تکمیل می شد و بخش سوم شامل 20 سوال در مورد رفتارهائی مانند پرخاشگری عملی و کلامی، گوشه گیری و همکاری در کودک بود که در خرداد ماه یعنی اواخر سال تحصیلی که معلم به شناخت کاملی از دانش آموزان می رسید، توسط معلم تکمیل می شد. این بخش به صورت مقیاس لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد دسته بندی شد و بر اساس جواب برای هر سؤال امتیازی از 5-1 (خیلی کم=1، کم=2، متوسط=3، زیاد=4 و خیلی زیاد=5) در نظر گرفته شد و در مورد پرسشهای معکوس نمره دهی نیز به صورت معکوس محاسبه می شد. بر اساس نمره بدست آمده برای هر یک از مشکلات رفتاری فوق واحدهای مورد پژوهش به سه گروه دارای مشکل رفتاری با شدت کم، متوسط و زیاد تقسیم شدند. برای بررسی روائی پرسشنامه از روش اعتبار محتوی و برای پایایی از روش آزمون مجدد استفاده شد (r=0/88).

اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS 11 و آزمونهای آماری میانگین، انحراف معیار، فراوانی مطلق و نسبی، مجذور کای، فیشر و تی تست مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

آزمون کای اسکوئر از نظر جنس و سن کودک، سن، شغل و تحصیلات پدر،سن مادر، تعداد فرزندان و نسبت فامیلی والدین بین دو گروه تفاوت معنی داری نشان نداد.

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]

تحصیلات مادر در گروه تنبیه بدنی 43/3% راهنمائی و کمتر، 40% دبیرستان و دیپلم و 16/7% دانشگاهی و در گروه عدم تنبیه بدنی 23/3% راهنمائی و کمتر، 44/2% دبیرستانی و دیپلم و 32/5% دانشگاهی بود. آزمون مجذور کای از نظر تحصیلات مادر بین دو گروه تفاوت معنی داری نشان داد (x^2=13/57 ،P<0/001).

شغل مادر در گروه تنبیه بدنی در 77/5% خانه دار و 22/5% شاغل و در گروه عدم تنبیه بدنی 69/2% خانه دار و 30/8% شاغل بود. آزمون فیشر از نظر شغل مادر بین دو گروه تفاوت آماری معنی دار نشان داد (x^2=7/81،p=0/004).

رتبه تولد کودک در گروه تنبیه بدنی در 32/5% اول و 67/5% بالاتر و در گروه عدم تنبیه بدنی 45/8% اول و 54/2% بالاتر بودند. آزمون فیشر از نظر رتبه تولد بین دو گروه تفاوت آماری معنی داری نشان داد (x^2=4/48 ،p=0/014).

تنبیه در 31/7% (38 نفر) فقط توسط پدر، در 41/7% (50 نفر) فقط توسط مادر و 26/6% (32نفر) توسط پدر و در هر دو انجام می شد. تمام کودکانی که توسط پدر و مادر هر دو تنبیه می شدند 100% (32نفر) بیشتر توسط پدر تنبیه می شدند.

روش تنبیه در 92/6% (111نفر) سیلی زدن به صورت و در 7/4% (9نفر) استفاده از یک شی مثل کمربند، سیخ، چوب، کفگیر و غیره بود.

از نظر شدت پرخاشگری عملی مشخص شد که در گروه تنبیه بدنی 38/3% واحدهای مورد پژوهش پرخاشگری عملی کم و در گروه عدم تنبیه بدنی 82/5% پرخاشگری عملی کم داشتند. آزمون تی از نظر پرخاشگری عملی بین دو گروه تفاوت معنی داری نشان داد (t =8/37، P<0/001) (جدول 1).

جدول شماره 1- فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب شدت پرخاشگری عملی درگروههای مورد مطالعه

تنبیه	نمی شود		می شود	
پرخاشگری عملی	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کم	82/5	99	38/3	46
متوسط	11/7	14	30/8	37
زیاد	5/8	7	30/8	37
M±SD	3/62±7/5		7/5±12/64	

از نظر شدت پرخاشگری کلامی مشخص شد در گروه تنبیه بدنی 49/23% واحدهای مورد پژوهش پرخاشگری کلامی کم ولی در گروه عدم تنبیه بدنی 87/5% پرخاشگری کلامی کم داشتند. آزمون تی از نظر پرخاشگری کلامی بین دو گروه تفاوت معنی داری نشان داد (t =10/18، P<0/001) (جدول 2).

جدول شماره 2- فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب شدت پرخاشگری کلامی درگروههای مورد مطالعه

تنبیه	نمی شود		می شود	
پرخاشگری کلامی	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کم	87/5	105	49/2	59
متوسط	11/7	14	35/8	43
زیاد	0/8	1	15	18
M±SD	1/51±4/17		2/56±6/94	

از نظر شدت گوشه گیری مشخص شدکه در گروه تنبیه بدنی 62/5% واحدهای مورد پژوهش گوشه گیری متوسط ولی در گروه عدم تنبیه بدنی 48/3% گوشه گیری متوسط داشتند. آزمون تی از نظر گوشه گیری بین دو گروه تفاوت آماری معنی داری نشان داد (t=2/11، P<0/05) (جدول3).

جدول شماره3- فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب شدت گوشه گیری درگروههای مورد مطالعه

تنبیه	نمی شود		می شود	
گوشه گیری	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کم	35/8	43	14/2	17
متوسط	48/3	58	62/5	75
زیاد	15/8	19	23/3	28
M±SD	5/20±17/07		4/88±18/34	

از نظر میزان همکاری مشخص شدکه در گروه تنبیه بدنی 50% همکاری زیاد و در گروه عدم تنبیه بدنی 83/3% همکاری زیاد داشتند. آزمون تی از نظر همکاری بین دو گروه تفاوت معنی داری نشان داد (t= -8/004، P<0/001) (جدول4).

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]

جدول شماره4- فراوانی واحدهای مورد پژوهش برحسب میزان همکاری درگروههای مورد مطالعه

تنبیه	نمی شود		میشود	
همکاری	درصد	تعداد	درصد	تعداد
کم	4/2	5	20/8	25
متوسط	12/5	15	29/2	35
زیاد	83/3	100	50	60
M±SD	4/37±19/83		4/74±15/13	

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد تنبیه بدنی بیشتر توسط مادران با سطح تحصیلات پایین تر و غیر شاغل و در کودکان با رتبه تولد بالاتر انجام شده است. در تحقیق پارک (2001) نیز مادران دارای سطح تحصیلات پایینتر بیشتر از تنبیه بدنی به عنوان یک روش تربیتی استفاده کرده بودند (13). این امر می تواند به علت عدم آگاهی این مادران از اثرات سوء تنبیه بدنی، روشهای تربیتی مناسب و طولانی بودن زمانی که مادران خانه دار با کودک می گذرانند، باشد.

همچنین نتایج نشان داد در میان کودکانی که فقط توسط یکی از والدین تنبیه می شدند مادران بیشتر از پدران کودکان را تنبیه کرده بودند. اما در مواردیکه هر دو والد کودک را تنبیه کرده بودند پدران بیشتر از مادران کودک را تنبیه می کردند، میتوان نتیجه گرفت مادران در این شرایط تنبیه را به پدر واگذار می کنند. در تحقیق فیجویردو و همکاران (2004) نیز کودکان بیشتر توسط پدر تنبیه شده بودند (6).

همچنین نتایج نشان داد که در کودکانی که تنبیه می شدند میانگین نمره مشکلات رفتاری چون پرخاشگری عملی، پرخاشگری کلامی و گوشه گیری به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمره کودکانی بود که توسط والدین تنبیه بدنی نمی شدند. افزون بر این میانگین نمره همکاری در کودکانی که تنبیه می شدند نسبت به آنهایی که تنبیه نمی شدند به طور معنی داری کمتر بود.

در تحقیق کر و همکاران (2004) نیز دیده می شود کودکانی که توسط والدین مورد تنبیه قرار گرفته بودند رفتارهای برون فکنی بیشتری از خود نشان می دهند (8).

کلمه تنبیه اغلب به طور شایع به جای اصطلاح تربیت استفاده می شود. بی شک تربیت کودک برای یادگیری رفتار مورد پسند اجتماعی وکنترل خود ضروری است و نقش والدین در تربیت و تادیب کودک بسیار مهم و انکار ناپذیراست. آنچه جای بحث دارد روشهای تربیتی است. تربیت برای آموزش ارزش های مثبت و مهم و پایه ای زندگی لازم است، اما بدیهی است یادگیری ارزشهای مثبت از یک عمل منفی (تنبیه جسمی) خود به خود رد شده است. تربیت موفق بر تکامل (پیشرفت) وجدان اجتماعی به عنوان بازدارنده رفتار های بد تاثیر دارد. با اینکه هیچ تحقیقی اثرات مفید استفاده از تنبیه جسمی را در کودکان نشان نداده، استفاده از آن هنوز ادامه دارد، که می تواند به دلیل علل فرهنگی و اعتقادات سنتی مربوط به نقش ها و مسئوولیت های والدین، تجربه تنبیه شدن والدین در کودکی و ناآگاهی آنها در مورد ماهیت و رشد و تکامل کودکان باشد (2، 8). والدین بچه هایشان را براساس اعتقاداتشان در مورد ماهیت کودک تربیت می کنند. ممکن است آنها کودک را به عنوان یک لوح سفید نیازمند هدایت و یا دارای سرشت بد که یک دست محکم برای پروراندن آنها لازم است، تصورکنند. آگاهی والدین از مراحل تکاملی نیز در چگونگی پاسخ دهی آنها به کودکان تاثیر گذاراست. اگر والدین رفتار منفی کودک را به عنوان جزئی از مراحل تکاملی وی بپذیرند، نه به عنوان یک خصوصیت منفی دائمی شخصیتی، ممکن است واکنش متفاوتی از خود نشان دهند. علیرغم افزایش آگاهی از خطرات تنبیه جسمی استفاده از آن به طور شایع به عنوان یک روش پذیرفته برای تربیت کودکان ادامه دارد. می توان نتیجه گرفت که والدین به یک سری آگاهی و پیشنهادات در مورد تغییر روشهای تربیتی به منظور عدم استفاده از تنبیه جسمی نیاز دارند و پرستاری که باخانواده

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]

دارای فرزند کار می کند باید به این مساله توجه داشته باشد. پرستاران بهداشت جامعه به علت تماس مکرر با والدین و مشروعیتی که در جامعه دارند در موقعیت مناسبی برای اجرای راهکارهای پیشگیری از تنبیه بدنی کودکان قراردارند. پرستاران فرصتهای مناسب جهت آموزش والدین در مورد رشد و تکامل طبیعی کودک، تکنیکهای تربیتی خنثی، مثبت و پرورشی دارند. شاید پیشگیری موثرترین روش برای برخورد با انواع رفتارهای ناشایست قابل پیش بینی در کودکان باشد. کودکان به صورت طبیعی کنجکاو بوده و تمایل آنها برای تجربه کردن می تواند منجر به این احساس در والدین شود که باید کاری کنند که آن رفتار برای کودک عادت نشود. شیوه های تربیتی مثبت مانند گذاشتن قوانین و محدودیت و برخورد قاطعانه و یکسان با اشتباهات و رفتار نامناسب کودک، تکنیک تقویت مثبت، گوشزد کردن نتیجه رفتار بد به کودک، عنوان کردن رفتار کودک به عنوان مشکل نه خود کودک، توضیح به کودک که چرا یک رفتار اشتباه است، می تواند اهداف مهم تربیتی را برآورده سازد. در برخورد با کودک توجه به سن و سطح تکاملی کودک نیز مهم است. تنبیه بدنی کودکان باید نفی شود و استفاده از آن به حداقل برسد. تکنیک های مثبت تربیتی نسبت به تنبیه بدنی نیاز به زمان و حوصله بیشتری دارند، اما نتایج آنها بسیار بهتر است، آموزش روشهای کنترل خود و تکنیکهای تربیتی مثبت بسیار ضروری است. والدین با سعی در خود کنترلی و استفاده از تکنیکهای تربیتی مثبت نه تنها می توانند در هنگام تربیت کودک خود را کنترل کنند بلکه روح و جسم کودکشان را نیز حفظ می کنند (4،5،11، 13، 14، 15).

درکشورهایی چون سوئد، دانمارک، نروژ و قبرس با اعلام غیر قانونی بودن تنبیه جسمی، موارد کودک آزاری بسیار کم شده است. همچنین در کشورهای اسکاندیناوی که در کنار این قانون همزمان برنامه های آموزش همگانی در مورد مضرات بی اثر بودن تنبیه بدنی و محاسن استفاده از شیوه های تربیتی مثبت توسط پرستاران بهداشت جامعه اجرا می گردد تنبیه بدنی بسیار کمتر شده است (5).

کودک امانتی بزرگ از جانب خداوند به پدر و مادر است شخصیت کودک آن چنان که والدین با وی رفتار نمایند شکل خواهد گرفت و آنچنان خواهد شد که والدین او هستند. بنابراین هرگاه این شکوفه های نونهال را در سن شکوفه و گل به قصد چیدن تحت فشار قرار دهیم نه تنها بهره ای نخواهیم برد بلکه خود را از رویت ثمره زیبای آن که همان نوجوانان و جوانان سالم آینده اند، محروم می سازیم (7).

از آنچه گذشت می توان نتیجه گرفت، آموزش اثرات بد تنبیه بدنی بر جسم و روح کودک به والدین و نیز آموزش روشهای تربیتی مثبت موجب کاهش استفاده از تنبیه بدنی خواهد شد لذا پرستاران کودک و پرستاران بهداشت جامعه در صورت داشتن مهارت و اطلاعات لازم در این زمینه می توانند نقش بسیار موثری ایفا کنند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود واجب می دانند از معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی لرستان که هزینه طرح را تقبل کردند و از همکاری صمیمانه خانم فرشته پیوستگر و آقای سید رحیم سیف السادات و کلیه معلمین، دانش آموزان و والدین شرکت کننده در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]

References

1- آئین ف.کودکان آسیب اجتماعی وخانواده های پرخطر: راهکار موثر چیست؟. مجله بیماریهای کودکان ویژه نامه هفدهمین همایش بین المللی کودکان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، پاییز1384، دوره 15، ویژه نامه1: 218

2. Gofin R, Leva I , Kohn R, Attitudes and opinions on corporal punishment among urban Israeil Jews.Isr J Psychiatry Relat Sci. 2004; 41(2): 90-7
3. Wolrich M, Aceves J, Feldman HM , Hagan JF, Howard BJ,Richtsmeier AJ, et al. Guidance for effective discipline. PEDIATRICS. 1998, 101(4): 723-728
4. Lopez SC, Lara MG, Amighetti LD et al. Parenting and physical primary punishment: care interventions in Latin America. Rev Panam Salud Publica. 2000; 8(4): 257-67
5. Ateah C. physical punishment: An unnecessary risk to children. The Canadian Nurse, 1997: 31-4
6. Figueiredo B, Bifulco A, Pavia C. History of childhood abuse in portuguese parents.Child Abuse Neg. 2004; 28(6): 669-682

7- ثابتی ف، شایسته فرد م. کودک و سوء رفتار در خانواده. مجله بیماریهای کودکان ویژه نامه هفدهمین همایش بین المللی کودکان دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی تهران، دوره 15، ویژه نامه 1، پاییز 1384: 216

8. Kerr DC, Lopes NL, Olson Sl , Sameroff AJ. Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The rols of moral regulation and child gender. J Abnorm Child Psychol. 2004; 32(4): 369-83
9. Larzelere RE. A comparison of two recent reviews of scientific studies of physical punishment by parents. http:// people.biola.edu/faculty/paulp/ June 2002

10- رئیس دانا ن. بررسی موارد گزارش شده خشونت علیه کودکان در اخبار روز نامه ها. مجله بیماریهای کودکان ویژه نامه هفدهمین همایش بین المللی کودکان دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی تهران، پاییز 1384، دوره 15، ویژه نامه 1، ص: 246

11. Montes MP, De Paul J, Milner JS. Evaluation attributions affect and diciplinary choices in mothers at high and low risk for child physical abuse.Child Abuse Neg. 2001; 25(8): 1015-1036

12- کوشان م، بهنام وشانی ح. بررسی شیوع برخی اختلالات رفتاری و عوامل خانوادگی موثر در کودکان دبستانی شهر سبزوار. اسرار مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، زمستان 1380. سال هشتم شماره 4: 46-40

13. Park MS, The factors of child physical abuse in Korean immigrant families. Child Abuse Neg. 2001; 25(7): 945-58
14. Deater-Deckard K, Lansford JE, Dodge KA, Bates JE. The developmental of attitudes about physical punishment: An 8-year longitudinal study. J Fam Psychol. 2003; 17(3): 351-360
15. Esecson D. Discipline and punishment are not the same thing. http://www. California Divorce. inf. Accessed Oct 2005

[Downloaded from yafteh.lums.ac.ir on 2026-11-01]